

بہانۂ بہار

حجت اللہ صباحیان

سرشناسه	: صباحیان، حجت‌الله، ۱۳۵۸ -
عنوان و نام پدیدآور	: بهانه بهار / حجت‌الله صباحیان.
مشخصات نشر	: قم : عصر جوان ، ۱۳۸۸.
مشخصات ظاهری	: ۷۲ ص. *
شابک	: ۱۷۰۰۰ ریال : ۵-۹۱-۸۸۰۶-۹۶۴-۹۷۸
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
موضوع	: شعر فارسی - قرن ۱۴
رده بندی کنگره	: PIR ۸۱۳۱ / ب ۲۲۷ ب ۹ ۱۳۸۸
رده بندی دیوبی	: ۱/۶۲۴۸



شناسنامه کتاب

نام کتاب:	 بهانه بهار
نویسنده:	 حجت الله صباحیان
ناشر:	 عصر جوان
چاپ اول :	 ۱۳۸۸
شمارگان :	 ۵۰۰۰ جلد
طرح جلد :	 محمد پاک
شابک:	 ۵-۹۱-۸۸۰۶-۹۶۴-۹۷۸
صفحه آرای:	 محمد خندانی
قیمت :	 ۱۷۰۰ تومان
ارتباط با شاعر کتاب:	

همراه ۰۹۱۶۹۷۲۵۰۰۱ صندوق پستی ۳۷۴-۶۳۶۱۵

E-mail: sabahian_f@yahoo.com

هر گونه برداشت موسیقیایی از این اثر منوط به اجازه‌ی کتبی از شاعر می باشد

آدرس و تلفن مرکز پخش:

قم: خیابان ارم - پاساژ قدس، طبقه پنجم - پلاک ۱۶۷ - انتشارات عصر جوان ۷۷۳۰۰۳۷-۰۲۵۱

۰۹۱۹۱۵۳۵۳۷۸ - ۰۹۱۲۵۵۲۸۴۸۰

تمامی حقوق این اثر متعلق به مؤلف است.

پیشگفتار

خواننده بر خلاف آنچه که در صفحه ی نخستین این دفتر، مشاهده می کند، می بیند که برخی از اشعار این دفتر، حایز شکل و فرم دوبیتی و رباعی نیستند و با تعریفی که تا کنون درباره ی رباعی و دوبیتی برای او کرده اند، فرق دارد. چرا که طبق آنچه از شاعران سده های پیش از ما، به ما رسیده است، رباعی در لغت به معنی چهار تایی است و بر وزن (مستفعل مستفعل مستفعل فع) - لا حول ولا قوه الا بالله - می باشد و دوبیتی نیز چهار مصرع است با ترکیب قوافی وردیفی که در غزل به کار می رود و بر وزن (مفاعیل مفاعیل مفاعیل) می باشد. ولی برخی از اشعار این دفتر، بر خلاف این تعریف، در واقع غزل هایی هستند که دو بیت دارند یا به عبارت دیگر، شروع یک غزل هستند و از وزن هایی که برای دو بیت و رباعی قایل شده اند، خارجند.

پس تا اینجا که حرف از شکل بیرونی و فرم ظاهری رباعی و دوبیتی است، و بر اساس تعریف شاعران قبل از ما، این دفتر صرفاً رباعی و دوبیتی نیست و حق با کسانی است که با سگالی اینچنین به قاضی میروند. اما چند نکته وجود دارد که به تحقیق شاعر این کتاب را بر این جسارت و اداشت تا علی رغم این تضاد فاحش، مجموعه اشعار این دفتر را دوبیتی و رباعی بنامد.

بنده بر این باور هستم که در عالم هنر، هیچ قاعده و قانون ثابتی وجود ندارد و عرصه‌ی شعر نیز از این قاعده مستثنی نمی‌باشد. راستی مگر نه اینکه، شاعر یا شاعرانی که واضح این شکل از سُرایش اند، این قواعد را برای رباعی و دوبیتی وضع کرده‌اند و تفاوت‌هایی مابین دوبیتی، رباعی و سایر فرمهای شعر کلاسیک قایل گردیده‌اند. حال آیا نمی‌شود که شاعر یا شاعرانی این قواعد را بشکنند و به قول معروف قاعده شکنی و ساختار شکنی کنند و جاده‌های کمربندی شهر شعر رباعی و دوبیتی را گسترش دهند تا در این گستره و فضای جدید و تغییر در طرز کار، جای بیشتری برای تکاپو و حرکت باشد. البته و صد البته که هر ساختار شکنی، خود نیز باید دارای ساختار و ساخت مند باشد، تا بتواند مورد قبول واقع گردد. این کمترین دیدم که بسیاری از مضامین و فضاها، انتزاعی که قابلیت تبدیل شدن به یک رباعی یا دوبیتی خوب و قوی، با ساختمان شعری محکم را دارند، به خاطر شکل بیرونی رباعی و دوبیتی، شهید می‌شوند. در صورتی که هارمونی درونی و ساختار و شکل درونی آن، همان رباعی و دوبیتی است با همان بستر سازی و همان ضربه‌ی پایانی و تنها با این تفاوت که در وزن‌های ارایه شده برای این دو قالب، سروده نشده‌اند.

حال چند سوال پیش می‌آید که چه چیز این فرم بیرونی شعر - قالب و وزن‌های ارائه شده - آنقدر حائز اهمیت است که ما را بر آن می‌دارد، محتوای درونی یک شعر را فدای آن کنیم؟ اصلاً چرا پا را فراتر از این نیز نگذاریم

و بگوئیم که چه ویژگی خاصی - به غیر از شکل بیرونی - ما بین دوییتی و رباعی است که مانع از ادغام و یکی شدن این دو قالب ، باهم می گردد؟ و چرا برای این دو قالب یک نام لحاظ نمی کنیم؟ چرا یک غزل که تمام حرف خود را در همان دو بیت اول می زند، نمی تواند به عنوان یک رباعی و یا یک دو بیتی معرفی گردد؟ اصلاً چرا یک دوییتی یا رباعی باید یک ضربه ی پایانی داشته باشد تا رباعی و دوییتی خوبی تلقی شود و کی گفته آن رباعی و دوییتی که ضربه ی پایانی ندارد ، رباعی و دوییتی قوی و خوبی نیست ؟ آیا نمی توان فاکتور هایی مثل تصویر سازی ، سوژه ی ناب و بکر ، شکل تازه در بیان و طرز کار و را نیز به جمع

فاکتور هایی که برای یک رباعی و دوییتی خوب می شناسیم ، اضافه کنیم ؟ چرا نگوییم :- ((خانم غزل ، آقای قصیده ، حضرت چهارپاره ، جناب شعر نو ، حضرت مستطاب شعر سپید و جلو بیایید تا از داشته های خوبتان برداریم و در جام این دو قالب از شعر که کم کم حیات تازه و در خورشانی میابند و حتماً خواهد رسید روزی که لااقل در بین تمامی شکلهای شعر کلاسیک سرآمد گردد ، بریزیم)) و این ادعایی به گراف نیست ، چرا که تمام دنیا باور کرده اند ، وقت طلاست و به همین خاطر حرکت ها تندتر و سریعتر شده است . خواب ها کمتر و بیداری ها بیشتر ، حرف ها کمتر و سکوت ها طولانی تر ، نشستن ها کمتر و ایستادن ها بیشتر شده تا کار بیشتری صورت گیرد . عصر ، عصر سرعت است . عصر غذاهای ساندویچی است و

حتی وقت آنقدر مهم شده که گاهاهمین غذاهای ساندویچی در حال حرکت خورده می شوند و پس می بینیم که اختصار چقدر اهمیت یافته است.

آیا روزی نمی رسد که قالب های بلند شعری جای خود را به قالب مختصر و گیرا و تاثیر گذار رباعی و دوبیتی دهد و حتی غزل با همه ی غزل بودنش در رباعی و دوبیتی خلاصه شود. یعنی در رباعی و دوبیتی، غزل سروده شود. دقیقاً با همه ی آن خوبی ها و ویژه گی هایی که غزل را به ماناترین شکل و فرم شعر تبدیل کرده است. شاید این مطلب ادامه داشته باشد و.....

چند شکست وزن و سخته های خفیف وزنی که در بعضی از اشعار رخ داده است، آگاهانه بر طرف نشده اند، چرا که اگر می خواستم آنها را رفع نمایم مجبور به جایگزینی بعضی کلمات به جای بعضی دیگر می شدم. که این کلمات جای گزین شده آن تاثیر و گیرایی کلمه ای که با وجود آن شکست و یا سخته ای رخ داده، را نداشته است. نخواستم محتوای شعر را فدای ظاهر و وزن شعر کنم و.....

حجت الله صباحیان

بهبهان ۱۳۸۸/۸/۱۳